

بررسی حجاب در پرتو حقوق بشر با نگاهی به ممنوعیت حجاب اسلامی در غرب

محمدحسین زاهدیان تنجکی^۱، سید حسین جلالی^۲

^۱ دانشجوی دکتری، حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول)

^۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده

پوشش و حجاب اسلامی یکی از مسائل مهم فرهنگی است که دین مبین اسلام به آن توجه خاصی داشته و با دقت و ظرافت به این موضوع مهم اشاره کرده است. بر اساس اصل دموکراسی و آزادی هر فرد مسلمان می تواند در چارچوب اعتقادات خود با پوشش اسلامی در جوامع بین المللی حضور و فعالیت داشته باشد، بر اساس موازین حقوق بشر نیز هر انسانی از حق آزادی فکر، وجدان و دین برخوردار است. این حق شامل اظهار عقیده و ایمان، تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی به نحو فردی یا جمعی، خصوصی یا عمومی خواهد بود (ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر)، اما صرف نظر از تمام قواعد و قوانین حقوق بشری در دهه ی اخیر، برخی کشورهای غربی محدودیت هایی برای پوشش زنان مسلمان وضع نموده اند و از آنجایی که تبعیض نسبت به گروه های دینی و نوع پوشش به معنای محروم کردن گروه مورد نظر از برخی حقوق و تسهیلات است، لذا تبیین حق بر پوشش اسلامی در حقوق بین المللی ضروری می باشد، از این رو در پرتو اصل عدم تبعیض و برابری افراد که در تمامی کنوانسیون ها و قوانین بین المللی به آن اشاره شده، در این مقاله سعی در شناسایی جایگاه حجاب اسلامی در قوانین بین المللی خواهیم داشت. بر این اساس پرسشی که در نوشتار حاضر در پی تبیین آن هستیم این است که جایگاه حجاب اسلامی در قوانین و کنوانسیون های بین المللی کجاست؟

واژه های کلیدی: حجاب، حقوق بشر، اصل عدم تبعیض، حق آزادی دین

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

مساله پوشش بانوان یکی از مسائل بسیار مهمی است که رابطه تنگاتنگی با مسائل سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در سطح بین الملل دارد. در عصر حاضر مسئله حقوق بشر و مناسبت آن با آموزه های دینی از جمله مباحث مناقشه برانگیز در میان اندیشمندان است، یکی از مباحثی که در باب رابطه حقوق بشر و طرز تلقی مسلمانان از آن در دهه های اخیر مطرح گردیده قضیه حجاب اسلامی و نوع پوشش بانوان مسلمان در سایر کشورهاست.

حقوق بشر از مفاهیمی است که امروزه در زندگی انسان ها جایگاه والایی دارد که در آن ساده ترین حقوق اولیه انسان ها در زندگی اجتماعی مطرح می شود و در بر گیرنده حق حیات، حق آزادی و همه ی عناصر لازم برای یک زندگی انسانی می باشد، لکن از سوی دیگر افزایش دخالت دولت ها در امور خصوصی، شخصی و سلیقه ای افراد که گاه ناشی از تمایل دولت ها به نشان دادن اقتدار خود و گاه برخاسته از تفکر و ایدئولوژی آن هاست، این حقوق اولیه انسانی را محدود کرده است. طبق میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی حتی در شرایط اضطرار همگانی یا جنگ، فسخ آزادی وجدان و مذهب مجاز نیست، هر دین و مذهب نیز علاوه بر اندیشه و اعتقادات درونی خود، متضمن برخی رفتارها و نمادهایی است که جنبه ی بیرونی داشته و در اجتماع بروز و ظهور خواهد داشت، نمونه بارز این رفتارها و نمادها برای زنان مسلمان استفاده از حجاب اسلامی می باشد، از این رو تضمین آزادی های مذهبی باید توأمان در حوزه اندیشه و رفتار صورت پذیرد (شمسی، ۱۳۹۰).

اما صرف نظر از تمام تعهدات بین المللی و منطقه ای مبنی بر اصول عدم تبعیض و آزادی انسان در انجام مناسک مذهبی، موج اسلام ستیزی در کشورهای غربی در سال های اخیر به انحای مختلف و غالباً با مخالفت های به اصطلاح قانونی با نمادهای اسلامی گسترش یافت. شاید بتوان قانون ممنوعیت نمادهای مذهبی در فرانسه را که منجر به اخراج شمار زیادی دختران و زنان محجبه مسلمان از دانشگاه ها و مدارس گردیده را اولین حرکت سازمان دهی شده دولت های غربی در اروپا دانست که این امر برخلاف قوانین حقوق بشری است، در کشورهای غربی شاهدیم که زنان مسلمان محجبه که بنا به وظیفه دینی و شرعی خود روستری به سر می کنند تحقیر، توهین و حتی تهدید شده و به آن ها حمله می شود در صورتی که بر اساس حقوق بین الملل هنجارهای دینی و فرهنگی هیچ گاه نمی تواند توجیه کننده عدم تساهل و رفتار متجاوزانه و توهین آمیز باشد.

تبعیض موضوع حجاب از زوایای متعددی در حقوق بین الملل قابل مطالعه می باشد، اما مقاله حاضر در صدد است این موضوع را از زاویه جایگاه حجاب در قوانین حقوق بشری بررسی نماید، از این رو در پژوهش حاضر دو فصل مطرح گردیده که ابتدا به مفهوم شناسی و جایگاه حجاب در حقوق اولیه و پس از آن به بررسی جایگاه حجاب در پرتو نگرش جهانی پرداخته خواهد شد.

مفهوم شناسی و جایگاه حجاب در حقوق اولیه

حجاب نشانه ای است که می تواند به رغم داشتن معنای صریح خود برای انعکاس نوعی از پوشش برای زنان، در معنای ضمنی خود به نشانه ای تبدیل شود که منعکس کننده یا هویت ویژه ای باشد. در این فصل واژه ی حجاب تعریف و به تاریخچه مختصری از آن اشاره خواهد شد و سپس در مبحث دوم به جایگاه حجاب در حقوق اولیه از جمله حق آزادی دین و منع تبعیض نسبت به اقلیت ها پرداخته خواهد شد.

تعریف و تاریخچه حجاب

واژه ی حجاب از ریشه حجب (بر وزن فعل) به معنی پوشیدن و پرده است. حجاب عبارت است از این که زن خود را به نحوی از نامحرم بپوشاند و جلب توجه نکند (مطهری، ۱۳۸۷). به عبارت دیگر، استعمال کلمه ی حجاب در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدید می باشد. در قدیم و بخصوص در اصطلاح فقها کلمه ی «ستر» که به معنی پوشش است به کار رفته است. فقها چه در کتاب الصلوه و چه در کتاب النکاح که متعرض این مطلب شده اند و کلمه ی ستر را به کار برده اند و نه کلمه حجاب، از این جهت بهتر بود این کلمه عوض نمی شد و ما کماکان همان کلمه ی پوشش را به کار می بردیم، زیرا چنانچه گفتیم معنی شایع لغت حجاب پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر

موجب شد که عده‌ی زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و برون نرود (همان).

ولی اخیراً از کلمه‌ی حجاب اسلامی در جای کلمه‌ی ستر و پوشش استفاده می‌کنند و آن هم به خاطر جامعیت و گویایی آن برای بیان پوشیدگی زن از نظر اسلام است. زیرا که ستر و پوشاندن مانند حجاب اسلامی گویای پوشیدگی و نوع و حدود آن نمی‌باشد، مگر این که قید اسلامی را به آن اضافه کنیم که در آن صورت «پوشش اسلامی» معادل «حجاب اسلامی» خواهد بود و همه‌ی آنچه را که خداوند در سوره‌های نور و احزاب از زنان خواسته است در پوشیدگی خود رعایت کنند را در بر دارد. (اکبری، ۱۳۹۰).

حجاب همواره ارتباط مستقیمی با حکومت‌ها داشته، مساله زن و امور مربوط به زنان توسط حکومت‌هایی که یکی پس از دیگری روی کار آمدند، به طرق مختلف و موثری، بر پویایی‌های اجتماعی، سیاسی و مذهبی مردم اثر گذاشت و هنوز هم در حال گذر و اجرا است، جریان‌های متفاوت نظیر مبارزه با غربی کردن، مبارزه علیه رژیم شاه، مبارزه با امپریالیسم، مقابله با سلطنت طلبی و ... سپس فرایند استقرار مجدد اسلام. حجاب را به ابزاری بالقوه سمبولیک و ایدئولوژیک تبدیل نمود (استاد ملک، ۱۳۶۷)، چرا که پس از کشف حجاب در دوره‌ی پهلوی اول و همینطور استمرار و برنامه‌های فرا محافظه کارانه پهلوی دوم کماکان این اقدامات با گرایش‌های مذهبی مردم ناسازگار بود، چنانچه در انقلاب ۱۳۵۷، حجاب به ویژه چادر، نه فقط به سمبل مبارزه علیه رژیم شاه تبدیل شد، بلکه به عنوان سنگری در برابر غرب زدگی و تهاجم فرهنگی غرب مطرح شد. در ادامه نیز در طی اولین سال‌های انقلاب، چادر به تدریج به عنوان سمبل وحدت ملی در مبارزه علیه سلطنت طلبی و غرب زدگی مطرح شد.

تعریف حقوق بشر

یکی از مفاهیمی که امروزه، در زندگی انسان‌ها جایگاه والایی دارد مفهوم حقوق بشر است. که در آن ساده‌ترین حقوق اولیه‌ی انسان‌ها در زندگی اجتماعی مطرح شده است و در برگیرنده‌ی حق حیات، آزادی، و همه‌ی عناصر لازم برای یک زندگی انسانی می‌باشد (مصفا و ابراهیمی، ۱۳۸۷)، اگر چه در فرهنگ‌ها و مذاهب مختلف از حقوق بشر تعاریف متفاوتی ارائه گردیده اما آنچه امروزه تحت عنوان حقوق بشر در سطح جهانی مطرح می‌شود، معمولاً متکی بر تعاریف دنیای غرب و سازمان ملل متحد از این مفهوم می‌باشد. حقوق بشر را می‌توان به اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوقی معرفی نمود که هر فرد به طور ذاتی، فطری، و به صرف انسان بودن از آن بهره‌مند می‌شود، این موازین حقوقی به طور گسترده‌ای به عنوان هنجارهای بین‌المللی پذیرفته شده و تعریف شده است و بیشتر کشورها این حقوق را در قوانین و رویه‌های قضایی خود مورد شناسایی قرار داده‌اند. آنچه امروزه رسماً به عنوان مفهوم حقوق بشر مطرح است، واژه نسبتاً جدیدی است که در سال ۱۹۴۵ توسط سازمان ملل متحد مطرح و جایگزین واژه‌ی حقوق طبیعی شده است، از تاریخ صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر توسط سازمان ملل این مفهوم جایگاهی والا در اذهان عمومی جهانیان به خود اختصاص داده است. اما برخلاف آنچه که غرب معتقد است که مفهوم حقوق بشر همراه با حکومت دموکراسی جدید در دوران معاصر مطرح شده است. مسلمانان معتقداند که پیش از ظهور لیبرال دموکراسی مدرن، ایده حقوق بشر به صورت واضح و صریح در قرآن و سنت پیامبر اسلام (ص) ارائه شده است، و این مفهوم به شکل ماهرانه‌ای توسط فقها مسلمان در شکل دقیقاً علمی تحت دو عنوان حقوق خداوند و حقوق انسان‌ها مطرح شده است، حقوق انسان‌ها شامل بحث‌های متفاوتی است از جمله حقوق غیر مسلمانانی که در کشورهای اسلامی زندگی می‌کنند و حق آزادی بیان و ابراز عقیده برای هر انسان است (موحد و حسینی، ۱۳۸۹).

حجاب در پرتو حقوق اولیه

حق آزادی دین و ابراز آن

«آزادی عقیده» و «آزادی بیان» از حقوق اساسی و بنیادین بشر و در زمره حقوق مدنی و سیاسی و به اصطلاح نسل اول حقوق بشر به شمار می‌روند که در بسیاری از اسناد بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای مورد تاکید و تصریح قرار گرفته‌اند. در بسیاری از اسناد حقوقی، آزادی «عقیده و بیان»، به شکل توأمان بیان شده و از آن، به عنوان «یک حق» یاد می‌شود. برای مثال، در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است:

هر کسی حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن، با تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی، آزاد باشد.

این گونه حقوق از جمله «تعهدات به نتیجه» دولت‌هاست و دولت‌های عضو میثاق ملزم هستند که بدون توجه به قید امکانات موجود یا شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر جامعه، این حقوق را به طور مطلق اعمال نمایند. اگر آزادی بیان از آزادی عقیده تفکیک گردد و آزادی عقیده، بدون آزادی بیان اثبات شود، این حق، فاقد کمترین ارزش بوده و هیچ اثری بر آن مترتب نمی‌شود زیرا عقیده‌ای که ابراز نشود و جزء مکنونات درونی انسان باقی بماند، قابل دسترسی دیگران نبوده و بیم و نگرانی نسبت به آن معنی ندارد. چنانکه ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح می‌کند، حق آزادی عقیده در زمره حقوق غیر قابل تعلیق است که حتی در شرایط جنگی و فورس ماژور نیز به حال تعلیق در نمی‌آید و در هیچ شرایط و اوضاعی نباید مورد نقض قرار گیرد.

حق آزادی دین و عقیده، بنابر حمایت استانداردهای بین‌المللی، در بردارنده حق اظهار دین به شیوه‌های مختلف از جمله پوشیدن لباس متمایز است. پوشش لباس و نمادهای مذهبی در مکان‌های عمومی همواره منشا بحث و جدال‌های سیاسی و حقوقی در بسیاری از کشورهای جهان بوده است. هر چند پوشش موی سر زنان، سابقه تاریخی داشته و مربوط به اقوام و کشورهای مختلفی است، اما پوشش زنان مسلمان چند دهه‌ای است که به یکباره در کانون توجهات قرار گرفته است. گرچه نمادهای مذهبی زیادی همچون عمامه سیک‌ها، عرق چین یهودیان و صلیب مسیحیان توجهات را به خود جلب می‌کند، اما بی‌تردید روسری زنان مسلمان (حجاب) مهمترین سمبل مذهبی است که بحث‌های فراوانی را در جهان غرب برانگیخته است. (شمسی، ۱۳۹۰).

هر دین و مذهبی علاوه بر اندیشه و اعتقادات خاص درونی خود، متضمن برخی رفتارها و نمادهایی است که جنبه بیرونی داشته و در اجتماع بروز و ظهور خواهد داشت. یکی از بارزترین ابعاد بروز دین در جامعه، حضور نمادها و ساختاری دینی در آن جامعه است. اغلب نهادهای قضایی یا شبه قضایی بین‌المللی، نمایش نمادهای دینی را در بروز و ظهور خارجی دین و عقیده می‌دانند و نه اعتقادات درونی فرد. بسیاری از اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشری نیز به آزادی «ابراز» دین یا عقیده در عبادت، مراعات، انجام و آموزش مناسک دینی اشاره دارند. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر چهار نوع مشخص از ابراز دین یا عقیده را نام برده است: پرستش، تعلیم، انجام مناسک و مراعات. البته دیوان در موارد متعددی اظهار داشته است که این چهار مورد الزاماً لیست قطعی و نهایی اشکال ابراز دین نیست.

حق آزادی دین و عقیده، در بردارنده حق اظهار دین به شیوه‌های مختلف مانند پوشیدن لباس متمایز است. پوشیدن نماد یا لباس مذهبی نه تنها بخشی از آزادی دین یا عقیده است، بلکه نوعی آزادی بیان است و بر اساس نظر دیوان اروپایی حقوق بشر، آزادی بیان نه تنها در مورد ایده یا اطلاعات مورد پذیرش و بی‌ضرر پذیرفته شده است، بلکه در مواردی که موجب دلخوری و برآشفتن دولت و یا بخشی از جامعه باشد نیز صادق خواهد بود.

منع تبعیض نسبت به اقلیت‌ها

از جمله حقوقی که می‌توان موضوع حجاب را در ذیل آن مورد بررسی قرار داد «حق منع تبعیض نسبت به اقلیت‌ها» می‌باشد، رعایت حقوق اقلیت‌ها و منع تبعیض نسبت به آن‌ها از جمله مسائلی است که به ویژه در سال‌های اخیر مورد توجه و حمایت نهادهای بین‌المللی قرار گرفته است، هر چند جهان در چند دهه‌ی اخیر شاهد برخوردهای خصمانه و خشونت‌بار گروه‌های مختلف و یا پاکسازی‌های قومی اقلیت‌ها بوده، تمهیداتی برای رعایت حقوق اقلیت‌ها و تامین همزیستی مسالمت آمیز اقوام مختلف نیز اندیشیده شده است. (شریفی طراز کوهی و قره باغی، ۱۳۸۹)

پیش از تشکیل جامعه ملل، در میان اسناد مهم بین‌المللی برای اولین بار در معاهدات صلح وستفالی در سال ۱۶۴۸ طبقه بندی از اقلیت‌ها در چارچوب مذهب صورت گرفت، این معاهدات به مسیحیان ساکن پرنس نشین‌هایی که فرقه شان مطابق با کلیسا رسمی نبود حق انجام مناسک مذهبی را در ملاء عام در ساعات مشخص از روز اعطا می‌کرد. این در زمانی بود که در ممالک اسلامی، اقلیت‌های مذهبی با توجه به مقررات فقه اسلامی از استقلال کاملی در حوزه‌ی احوال شخصیه برخوردار بودند و غیر مسلمانان می‌توانستند در اموری همچون ازدواج طلاق، ارث، و غیره تابع مقررات مذهبی خود باشند (زنجانی، ۱۳۷۹)

شروع تحول در نگرش نسبت به اقلیت‌ها را در دوران معاصر می‌توان از زمان صدور نظر مشورتی دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی بنا به درخواست شورای جامعه‌ی ملل در مورد مدارس اقلیت در آلبانی در سال ۱۹۳۵ اعلام کرد، در ادامه نیز می‌توان از منشور ملل متحد نام برد که البته توجه زیادی به مقوله اقلیت‌ها نشان نداد و تنها بند ۳ ماده ۱ حمایت از اقلیت‌ها را به طور کلی جزء اهداف آن سازمان برشمرده است. از اقدامات دیگر سازمان ملل در رابطه با اقلیت‌ها می‌توان به «کمیسیون فرعی منع تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها نام برد که در سال ۱۹۹۹ به «کمیسیون فرعی ترویج و حمایت از حقوق بشر» تبدیل شد، همینطور می‌توان از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نام برد که در ماده ۲۷ خود به طور خاص از حقوق اقلیت‌ها دفاع می‌کند. در سطح منطقه‌ای و در حوزه‌ی اروپا به موضوع اقلیت‌ها پرداخته شده است که ابتدا در سال ۱۹۵۰، اولین معاهده منطقه‌ای حقوق بشر تصویب شد و سه سال بعد نام «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌ها بنیادین» لازم الاجرا گردید، در سال ۱۹۹۲ منشور اروپایی زبان‌های محلی یا اقلیت تصویب و در سال ۱۹۹۸ لازم الاجرا شد. در سال ۱۹۹۲ کنوانسیون چارچوب حمایت از اقلیت‌های ملی به تصویب رسید و در سال ۱۹۹۸ لازم الاجرا گردید، اسناد فوق همگی به طور خاص به مقوله اقلیت‌ها پرداخته‌اند (شریفی طراز کوهی و قره باغی، ۱۳۸۹).

اما صرف نظر از تمام قوانین فوق وقتی به واقعیت می‌نگریم، می‌بینیم که بین این قوانین و رفتار جوامع غربی فاصله‌ی زیادی وجود دارد، مطالعه اعمال و رفتار این جوامع در حوزه‌های مختلف نشان می‌دهد که بزرگ‌ترین ناقضان حقوق بشر همین مدعیان حقوق بشر هستند که با نام دفاع از آن به خود اجازه می‌دهند هر کاری خلاف قانون را انجام دهند، امروزه ما شاهد نقض گسترده آزادی‌های ابتدایی در کشورهای به اصطلاح متقدم اروپایی هستیم که برخلاف حقوق بشر و حقوق اقلیت‌ها عمل می‌کنند، نمونه بارز این اقدامات خلاف قانون جلوگیری از حجاب زنان و دختران مسلمان در مجامع عمومی است، ممانعت از داشتن پوشش حجاب اسلامی در برخی کشورهای اروپایی نقض کننده ادعای سردمداران حقوق بشر دنیاست. طبق قوانین که ذکر شد داشتن پوشش اسلامی حق هر زن مسلمان است اما در یک تناقض آشکار شاهد برخورد مدعیان دروغین حقوق بشر با پوشش زنان و دختران و جلوگیری از ورود آنان به دانشگاه‌ها می‌باشیم. به عنوان مثال تصویب قانون منع استفاده از علائم مذهبی در اماکن عمومی در کشور فرانسه که در عمل منجر به منع استفاده از حجاب شد، با دموکراسی و آزادی‌های فردی که به اصطلاح روح قانون اساسی نوشته شده غربی است مغایرت دارد.

حجاب در پرتو نگرش جهانی

بررسی موضوع حجاب از زوایای متعددی در حقوق بین الملل قابل مطالعه می‌باشد، لکن با توجه به هدف مقاله حاضر که نقد ممنوع کردن استفاده از پوشش اسلامی در برخی کشورهای غربی می‌باشد، این موضوع را ابتدا از زاویه جایگاه حجاب در

تعهدات بین المللی و پس از آن در مبحث دوم از این فصل به بررسی برخی از تعهدات منطقه‌ای در قاره اروپا که کشورهای این قاره را ملزم به آزادی دین و مذهب و راه‌های ابراز آن می‌کند، بیان خواهد شد.

جایگاه حجاب در تعهدات بین المللی

منشور ملل متحد

منشور ملل متحد سندی است که هدف‌ها و نحوه‌ی کار سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته به آن را تعیین می‌کند، این سند در حکم اساسنامه سازمان ملل است، در متن منشور صریحاً تأکید شده که مفاد منشور بر هر قرارداد بین المللی دیگری مقدم است. مطابق بند ۳ ماده ۱ و بند ۳ ماده ۵۵ منشور: «کلیه دول عضو، متعهد به رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه، بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان یا دین خواهند بود». بنابراین تمام افراد با هر دینی در سرزمین‌های دول عضو در پرتو اصل عدم تبعیض و برابری افراد با یکدیگر در حمایت حقوق بین الملل قرار می‌گیرند. ولی در حال حاضر و با به اجرا گذاشتن قانون منع حجاب و ممانعت از تحصیل دختران محجبه در مدارس و دانشگاه‌ها تناقض فاحشی بین مواد منشور ملل متحد و اقدامات کشورهای غربی مشاهده می‌شود

اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر یک پیمان بین المللی است که در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در دسامبر ۱۹۴۸ در پاریس به تصویب رسیده است. این اعلامیه نتیجه‌ی مستقیم جنگ جهانی دوم بوده و برای اولین بار حقوقی را که همه‌ی انسان‌ها مستحق آن هستند را به صورت جهانی بیان می‌دارد. هرچند این اعلامیه ماهیتاً قانون محسوب نمی‌شود، اما قوانین اساسی بسیاری از کشورها و نیز کنوانسیون‌های متعددی از مفاد آن الهام گرفته است. مطابق ماده ۲ این اعلامیه «هر فردی بدون هیچ گونه تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب و یا عقیده و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت و یا هر موقعیت دیگر از تمام حقوق و آزادی‌های اعلام شده در این اعلامیه برخوردار است» همچنین مطابق ماده‌ی ۱۸ این اعلامیه «هر انسانی محق به داشتن آزادی اندیشه، وجدان و دین است و ...». بدیهی است که مذهب را نمی‌توان صرفاً در چارچوب اندیشه محصور کرده و یا به باورهای محض اعتقادی و تجربه‌های درونی تحلیل داد. اندیشه و اعتقاد مذهبی نهایتاً دارای جنبه‌های رفتاری ویژه‌ای خواهد بود که در بیرون و جامعه بروز خواهد کرد، از آنجا که نمی‌توان اندیشه مذهبی را به صورت مطلق از رفتار مذهبی منفک کرد لذا تضمین آزادی مذهبی باید توأمان در حوزه‌ی اندیشه و رفتار صورت پذیرد. به عبارت دیگر نمی‌توان شهروندان یک جامعه را از لحاظ مذهبی آزاد دانست، اما آنها را از انجام اعمال و مناسک مذهبی و یا از حق سازمان دهی مذهبی و برخورداری از نهادها و اجتماعات دینی منع نمود. (شمسی، ۱۳۹۰)

میثاق بین المللی حقوق مدنی سیاسی

این میثاق یکی از عهدنامه‌های سازمان ملل متحد بر پایه‌ی اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر است. این میثاق در دسامبر ۱۹۶۶ ایجاد و در مارس ۱۹۷۵ لازم الاجرا گردید. هدف از تصویب این میثاق آن بود تا اصول و معیارهای مندرج در اعلامیه‌ی جهانی در غالب اسناد بین المللی موثر و الزام آور درج گردد؛ در تحلیل موضوع حجاب با توجه به این میثاق می‌توان به ماده ۲۷ اشاره کرد که مقرر می‌دارد: «در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی، مذهبی و یا زبانی وجود دارند، اشخاص متعلق به اقلیت‌های مزبور را نمی‌توان از این حق محروم نمود که مجتمعاً با سایر افراد گروه خودشان از فرهنگ خاص خود متمتع شوند و به دین خود متدین بوده و بر طبق آن عمل کنند یا به زبان خود تکلم نمایند». این ماده حق تمتع از فرهنگ خاص خود، حق تدین به دین

خود و عمل بر طبق آن و حق تکلم را برای هر فردی در کشورهای بیگانه را به رسمیت شناخته است. لذا در برخورداری از فرهنگ خاص خود افراد می‌توانند لباس‌های خاص خود را برتن کنند و به آداب و رسوم خاص فرهنگ خود در مراسم شرکت نمایند. (میرمحمدی، ۱۳۸۶)

کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل در این خصوص اشعار می‌دارد که این مواد هیچ محدودیتی در زمینه‌ی آزادی دین و عقیده را روا نمی‌داند. در بند ۵ تفسیر کمیته‌ی مذکور تصریح شده که بند ۲ ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی هرگونه تهدید فیزیکی یا مجازات کیفری برای اعمال فشار به پیروان یک دین را ممنوع ساخته و سیاست‌ها و اقداماتی که با این هدف اتخاذ شوند را مغایر با میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌دانند.

اعلامیه حقوق افراد وابسته به اقلیت‌های ملی، قومی، دینی یا زبانی.

این اعلامیه با هدف تایید مجدد اینکه یکی از خواسته‌های اصلی ملل متحد، طبق منشور آن اعتلا و حمایت از رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تمایز نژاد، جنس، زبان یا مذهب است در سال ۱۹۹۲ نگاشته شده است. این اعلامیه در واقع متأثر از ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی سیاسی به توسعه نظام حمایت از اقلیت‌ها می‌پردازد. این اعلامیه حقوق بخصوص را در حمایت از اقلیت‌ها گذرانده که از جمله آن می‌توان به بند ۱ ماده ۱: «دولت‌ها که در آن هویت اقلیت‌ها رشد کنند» و یا بند ۱ ماده ۲ که اشعار می‌دارد: «اشخاص متعلق به اقلیت‌ها حق دارند به طور خصوصی یا عمومی، آزادانه و بدون مداخله یا اعمال هر نوع تبعیض، از فرهنگ خاص خود بهره‌مند باشند» اشاره کرد.

کنوانسیون حقوق کودک

پیمان نامه حقوق کودک یک کنوانسیون بین‌المللی است که حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی کودکان را بیان می‌کند. دولت‌هایی که این معاهده را امضاء کرده‌اند موظف به اجرای آن هستند و شکایت‌های راجع به آن کمیته‌ی حقوق کودک ملل متحد تسلیم می‌شود. این کنوانسیون در نوامبر ۱۹۸۹ مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل قرار گرفت و از سپتامبر ۱۹۹۰ لازم‌الاجرا شد. نکته جالب در مورد این کنوانسیون این است که ایالات متحده آمریکا تنها عضو سازمان ملل متحد است که به این کنوانسیون ملحق نشده و به امضاء آن اکتفا نموده، به این ترتیب این کنوانسیون مقبول‌ترین سند حقوق بشر در تاریخ می‌باشد.

ماده ۲ این کنوانسیون اشعار می‌دارد در کشورهای طرف کنوانسیون، حقوقی را که در این کنوانسیون در نظر گرفته شده، برای تمام کودکانی که در حوزه قضایی آنها زندگی می‌کنند بدون هیچ‌گونه تبعیض نژادی، رنگ، مذهب و ... محترم شمرده و تضمین خواهند نمود»

در ادامه این کنوانسیون نیز در ماده ۳۰ آمده «در کشورهایی که اقلیت‌های قومی، مذهبی، زبانی یا افرادی با منشأ بومی وجود دارند، کودک متعلق به این گونه اقلیت‌ها نباید از حق برخورداری از فرهنگ خود، برخورداری از مذهب خود و اعمال آن به همراه سایر اعضای گروه محروم گردد». نکته قابل ذکر در ارتباط با ماده‌ی اخیر قسمت پایانی ماده می‌باشد که سایر اعضای گروه‌ها را به همراه کودکان برخوردار از حق مذهب، فرهنگ و اعمال آنها قلمداد نمود.

تعهدات منطقه‌ای (قاره اروپا)**کنوانسیون اروپایی حقوق بشر**

این کنوانسیون یک معاهده بین‌المللی برای حفاظت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در اروپا است که در سال ۱۹۵۰ پیش نویس آن توسط نهاد نوبنیاد شورای اروپا تهیه و در دسامبر ۱۹۵۳ لازم‌الاجرا شد.

اغلب کشورهای اروپایی عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بوده و این کنوانسیون برای آنها لازم‌الاجرا است. آزادی مذهبی در ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر منعکس شده است. این ماده اشعار می‌دارد:

۱. همه افراد از حق آزادی اندیشه، وجدان و دین بهره‌مند هستند. این حق شامل آزادی تغییر دین یا عقیده و آزادی اظهار دین و عقیده، عبادت، آموزش، انجام و مراعات مناسک دینی خواه به صورت فردی و خواه در جامعه با دیگران در محیط عمومی یا خصوصی می‌شود.

۲. آزادی اظهار دین یا عقیده صرفاً زمانی با محدودیت مواجه خواهد شد که توسط قانون تجویز شده و برای یک جامعه دموکراتیک ضروری بوده و در راستای امنیت، نظم، بهداشت و اخلاق عمومی و یا حقوقی و آزادی سایرین باشد.

ماده فوق، آزادی مذهب را صراحتاً به رسمیت شناخته و این آزادی را شامل ابراز عقیده و دین و همچنین انجام مناسک مربوطه می‌داند. بند دوم این ماده نیز تصریح می‌کند که این آزادی مطلق نیست و در شرایط خاصی می‌تواند محدود شود، اولاً محدودیت اعمال شده باید قانونی باشد. دوماً باید هدف مشروعی برای این محدودیت وجود داشته باشد که شامل امنیت، نظم و بهداشت عمومی و یا حفظ حقوق سایرین می‌باشد و سوم این که محدودیت مذکور باید برای یک جامعه دموکراتیک ضروری تشخیص داده شود.

در ماده ۲ اولین پروتکل الحاقی به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز تأکید شده است: هیچ فردی را نمی‌توان از حق آموزش محروم کرد. دولت باید حق والدین در تضمین اینکه فرزندان آنها تعلیم و آموزشی مطابق با دین و اعتقادات فلسفی آنها ببینند را محترم شمارد. (شمسی، ۱۳۹۰)

قوانین بنیادین اتحادیه اروپایی

برخلاف شورای اروپا که از ابتدای تشکیل آن بعد از جنگ دوم جهانی، تقویت ارزش‌های دموکراتیک و آزادی‌های اساسی را محور خود قرار داده بود، اتحادیه اروپایی که در ابتدا با محوریت اقتصاد بازار تشکیل شد، تا سال‌های متمادی بجای رفتار یکسان با تمامی افراد فارغ از دین یا عقیده، موضوع عدم تبعیض (به خصوص بین زن و مرد و عمدتاً در موضوع اشتغال و دستمزدها) را محور اصلی همگرایی اروپایی قرار داده بود. به واقعیت رسیدن مفهوم «شهروندی اتحادیه اروپایی» و ضرورت کسب مشروعیت بیشتر برای EU مستلزم اتخاذ سیاست‌های برابر برای تمامی شهروندان بود. نتیجه سالها تلاش جوامع مدنی در اروپا، افزودن ماده ۱۳ پیمان ماستریخت ۱۹۹۷ بود. این ماده بنیان قوانین ضدتبعیضی در اتحادیه اروپایی به شمار می‌رود و از کشورهای عضو اتحادیه می‌خواهد تا اقدامات مقتضی برای مبارزه با هرگونه تبعیض بر پایه جنس، نژاد یا قوم، دین یا عقیده، ناتوانی و سن را اتخاذ نمایند. هرچند این ماده یک گام مهم در راستای اصل برابری در اروپا بود، اما الزامی برای مؤسسات اروپایی ایجاد نمی‌کند (Rorive, 2009).

سند نهایی نشست وین ۱۹۸۹

سند نهایی نشست نمایندگان کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس امنیت و همکاری اروپا در وین در سال ۱۹۸۹، آزادی‌های مذهبی موجود در بیانیه ۱۹۸۱ به خصوص آزادی گروه‌های مذهبی را گسترش داد. در این سند، تبعیض علیه افراد و جوامع در

تمامی بخش‌های زندگی مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منع شده است. این سند معتقدان به ادیان مختلف و همچنین میان دینداران و بی‌دینان را به بردباری و احترام متقابل توصیه می‌کند (Witte, 2009). ماده ۱۶ این سند، به منظور تضمین آزادی افراد برای ابراز عقیده و انجام مناسک دینی، از کشورهای عضو می‌خواهد تا اقدامات مؤثری برای ممانعت و حذف تبعیض مبتنی بر دین و عقیده علیه افراد و جوامع انجام دهند تا افراد بتوانند از آزادی‌های اساسی و حقوق بشر خود در تمامی جنبه‌ها بهره‌مند شوند. حق دسترسی آزادی به عبادتگاه‌ها باید محترم شمرده شده و حق استفاده از کتب مقدس و سایر کتابهای مذهبی و کالاها و لوازم مرتبط با انجام مناسک دینی نیز محترم شمرده شود. همچنین به کشورهای عضو توصیه شده است برای درک بهتر از الزامات آزادی دینی، با مؤسسات و سازمان‌های دینی مشورت نمایند. دولت‌های عضو سازمان امنیت و همکاری اروپا بارها خود را نسبت به احترام به آزادی افراد برای عمل به دینشان خواه به صورت فردی و خواه در جمع متعهد ساخته‌اند. این دولتها خود را متعهد می‌دانند اقدامات مناسب برای حمایت از اشخاص یا گروه‌هایی که ممکن است تهدید شده یا در معرض تبعیض، خصومت یا خشونت حاصل از هویت نژادی، قومی، فرهنگی، زبانی یا دینی خود قرار داشته باشند، به عمل آورند و از دارایی آنها حمایت کنند. (شمسی، ۱۳۹۰)

رهنمودهای شورای اروپایی

شورای اروپایی در سال ۲۰۰۰ و بعد از اجرایی شدن پیمان ماستریخت دو رهنمود را اتخاذ کرد که سطوح حداقلی مشترکی را برای حمایت قانونی در مقابل اشکال معینی از تبعیض در دولت‌های عضو اتحادیه اروپایی در نظر می‌گیرند. رهنمود نخست، رهنمود ۲۰۰۰/۴۳ دولتهای عضو را ملزم می‌کند اقداماتی جدی برای مبارزه با تبعیض نژادی یا قومی در اشتغال، آموزش، حمایت اجتماعی و دسترسی به کالاها و خدمات عمومی و ارائه آنها به عمل آورند. رهنمود دوم ۲۰۰۰/۷۸ چارچوبی را برای اقدامات مربوط به مبارزه با تبعیض مبتنی بر دین یا باور، ناتوانی، سن یا جنس در اشتغال ارائه می‌دهد. با توجه به اختلافات و مناقشات حقوقی و اجتماعی پیش آمده در خصوص پوشش نمادهای مذهبی در اماکن عمومی در اروپا، شورای اروپا در نوامبر سال ۲۰۰۸ دستورالعملی در این زمینه تدوین نمود تا ضمن روش ساختن مفهوم پوشش نمادهای مذهبی، چارچوبی را برای سیاست‌گذاران، حقوقدانان، کارشناسان و سایر افراد ذی نفع در این زمینه ارائه نماید. (همان)

نتیجه‌گیری

پوشش اسلامی و حجاب یکی از آموزه‌های دین اسلام است که بسیاری از زنان مسلمان به عنوان تکلیف دینی به آن عمل می‌کنند. رهبران اروپایی و برخی حقوق‌دانان با استدلال در خطر بودن سکولاریسم در جامعه، مسائل امنیتی و اجبار زنان در پوشیدن حجاب و روبنده، به مخالفت با پوشش زنان مسلمان می‌پردازند و از سمت دیگر خود را مدافعان حقوق بشر می‌دانند و این یکی از مسائلی است که غرب در آن دچار تناقض شده و از دلایل بدبینی ملت‌های جهان به سردمداران جهان غرب است.

بدون شک حجاب و پوشش اسلامی برای زنان مسلمان از باورهای دینی محسوب شده و التزام به آن جز فرایض دینی هر زن مسلمان است، از این رو تصمیم دولت‌های غربی در مقوله حجاب زنان مسلمان ساکن در آن سرزمین‌ها در قالب ممنوعیت یا هر گونه محدودیت ناظر بر حجاب به وضوح با مقررات اسناد بین‌المللی و حقوق بشری از جمله بند الف ماده ۵۵ منشور ملل متحد، ماده ۱۸، بند ۱ ماده ۱۹ و ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، و بند ۷ ماده ۵ کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی علیه زنان، مواد ۲ و ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر و همچنین با کنوانسیون ۱۹۵۰ حفاظت از حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی اروپا و حتی قوانین اساسی خود این کشورها در تضاد می‌باشد.

منابع

- ۱- استادمک، فاطمه، (۱۳۶۷)، حجاب و کشف حجاب در ایران، تهران، انتشارات موسسه مطبوعاتی عطایی.
 - ۲- اکبری، محمد رضا، (۱۳۹۰)، حجاب زنان مسلمان، تهران، چاپ اول، ناشر شرکت چاپ و نشر بین الملل .
 - ۴- زنجانی، عباسعلی عمید، (۱۳۷۹)، حقوق تعهدات و دیپلماسی در اسلام ، فقه سیاسی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه.
 - ۵- شریفی طراز کوهی، حسین، قره باغی، عبدالله، (۱۳۸۹)، تحلیل قاعده منع تبعیض نسبت به اقلیت ها در حقوق بین الملل ، مجله حقوقی بین الملل، شماره ۴۲.
 - ۶- شمسی ، احمد رضا، (۱۳۹۰)، تعهدات حقوق بین المللی اروپا در خصوص آزادی حجاب ، فصلنامه سیاست خارجه ، سال ۲۵ ، شماره ۱.
 - ۷- مصفا، نسرین، ابراهیمی، نبی الله، (۱۳۸۷)، جایگاه حقوق بشر در نظریه های روابط بین الملل، فصلنامه سیاست خارجه، دوره ۲۸.
 - ۸- مطهری ، مرتضی، مساله حجاب، (۱۳۸۷)، انتشارات صدرا، چاپ ۷۲.
 - ۹- موحد ، مجید، حسینی ، مریم، (۱۳۸۹)، دینداری و حقوق بشر بررسی مقایسه ای رابطه دینداری و تمایل به حقوق بشر در میان زنان و مردان، حقوق بشر، دوره ۵ ، شماره ۲.
 - ۱۰- میر محمدی، سید مصطفی، (۱۳۸۶)، عدم ممنوعیت حجاب اسلامی از منظر حقوق بین الملل اقلیت ها، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان ، شماره ۳۷.
11. rorive, isabelle, 2009, ' Religious Symbols in the public space: in search of a European answer", cardoza law review.
12. Witte, John and Green, Christian, 2009, religious freedom, Democracy, And International Human Right" Emory International .

